

پاسخ نامه مدنی

سوال 1

طبق ماده ۶۸۷ قانون مدنی: «ضامن شدن از محجور و میت صحیح است.»
بنابراین:

اهلیت مضمون عنه (محجور یا میت) شرط صحت ضمان نیست.

ضمان عمل ضامن است و التزام او معتبر است، نه وضعیت مضمون عنه.

پس ضمان از صغیر، سفیه، مجنون یا میت صحیح است.

سوال 2

طبق ماده ۶۹۰ قانون مدنی:

توانگری شرط صحت ضمان نیست، پس ضمان باطل نیست.

اگر مضمون له (ج) در زمان عقد ضمان جاهل به عدم تمکن ضامن (الف) باشد، حق فسخ دارد.

اما اگر ضامن بعداً غیرملیء شود، مضمون له خیاری ندارد.

سوال 3 

گزینه 1) «اگر ج تا آخر هفته دینش را نداد، من ضامنم»

این یعنی اصل ضمان منوط به یک شرط (عدم پرداخت ج) است.

طبق ماده ۶۹۹: تعلیق در اصل ضمان → باطل است.
پس این صحیح نیست. 

گزینه 2) «من ضامنم که دین ج را در صورت عدم پرداخت او بپردازم»

باز هم اصل ضمان منوط به شرط شده (عدم پرداخت ج).

این دقیقاً همان مثالی است که ماده ۶۹۹ زده: «اگر مدیون نداد من ضامنم».
✗ پس این هم باطل است.

گزینه 3) «من ضامن دین ج هستم، ولی پرداخت آن را منوط به پایان سال می‌کنم»

اینجا اصل ضمان منجز است (یعنی همین الان ضامن شده).

فقط وفای به دین معلق بر زمان شده (پایان سال).

طبق ذیل ماده ۶۹۹: التزام به تأدیه ممکن است معلق باشد.

پس این صحیح است. 

سوال 4 

طبق ماده ۷۰۹ قانون مدنی، ضامن حق رجوع به مضمون عنه ندارد مگر پس از ادای دین، مگر اینکه مضمون عنه تعهد کرده باشد در مدت معینی ضامن را بریء کند و مدت مزبور هم منقضی شده باشد. در فرض سؤال، چون هنوز مدت دوماهه منقضی نشده است، ضامن حق رجوع ندارد.

پاسخ صحیح: گزینه ۳ – مستند به ماده ۷۰۹ 

قانون مدنی.

سوال 5

به موجب ماده ۷۱۴ قانون مدنی:

«اگر ضامن زیادتز از دین به داین بدهد، حق رجوع به زیاده ندارد مگر در صورتی که به اذن مضمون‌عنه داده باشد.»

در این فرض:

دین واقعی مضمون‌عنه (ب) = ۵۰۰ میلیون.

ضامن (الف) بدون اذن مضمون‌عنه، مبلغ ۶۰۰ میلیون پرداخت کرده است.

بنابراین ضامن فقط نسبت به اصل دین (۵۰۰ میلیون) حق رجوع دارد و نسبت به زیاده (۱۰۰ میلیون) حق رجوع ندارد؛ چون پرداخت اضافه بدون اذن مضمون‌عنه بوده است.

پس، تنها ۵۰۰ میلیون تومان قابل رجوع است. 

سوال 6

طبق ماده ۷۲۵ قانون مدنی حواله تنها با رضایت بدهکار و قبول گیرنده طلب محقق می شود. رضا قبول نکرده، بنابراین حواله نسبت به او صحیح نیست، اما سارا قبول کرده است؛ بنابراین پیمان می تواند فقط از سارا طلب را مطالبه کند.

سوال 7

با توجه به ماده ۷۳۱ قانون مدنی:

اگر محال علیه (حسن) مدیون محیل (علی) نبوده باشد، پس از پرداخت وجه حواله، حق رجوع به محیل به همان مقداری که پرداخته، برای او محفوظ است.

بنابراین حسن می تواند از علی به اندازه ۳۰ میلیون تومان پرداخت شده، طلب خود را مطالبه کند.

سوال 8

اگر بیع باطل باشد، حواله باطل می شود و محال علیه

(محسن) که ثمن را دریافت کرده، باید آن را مسترد نماید.

اما اگر بیع به واسطه فسخ یا اقاله منفسخ شود، حواله باطل نیست و محال علیه بری است، اما بایع و مشتری می توانند به یکدیگر رجوع کنند.

سوال 9 

ماده ۷۳۶ قانون مدنی:

برای صحت کفالت، لازم نیست کفیل بداند مکفول له حقی دارد یا نه.

کافی است مکفول له (طلبکار) دعوی خود را مطرح کند.

حتی اگر مکفول (مدیون) حق را انکار کند، کفیل مسئول پرداخت دین است.

یعنی دعوی علیه کفیل معتبر و اجراشدنی است. 

سوال 10

طبق ماده ۷۳۷ قانون مدنی:

کفالت می‌تواند مطلق یا موقت باشد.

در صورت موقت بودن، مدت باید معلوم باشد.

اگر مدت مشخص نشده باشد، کفالت نمی‌تواند موقت محسوب شود و در صورت ادعای موقت بودن، اعتبار ندارد.

سوال 11

طبق ماده ۷۴۰ قانون مدنی:

کفیل باید مکفول را در زمان و مکان مقرر حاضر نماید.

در صورت عدم انجام این وظیفه، خود کفیل مسئول پرداخت دین می‌شود.

سوال 12

طبق ماده ۷۵۵ قانون مدنی:

صلح حتی با انکار دعوا جایز است.

بنابراین درخواست صلح یا پذیرش آن توسط مدعی علیه به معنای اقرار به حق نیست.

سوال 13 

طبق ماده ۷۶۸ قانون مدنی، در عقد صلح ممکن است تعهد به پرداخت نفقه معین، به طور ماهانه یا سالانه تا مدت مشخص، در عوض مال الصلح قرار گیرد. این تعهد می‌تواند به نفع طرفین صلح یا حتی شخص ثالث برقرار شود. بنابراین در مثال فوق، صلح صحیح و تعهد مریم به نفع کودک سارا معتبر است.

سوال 14 

طبق ماده ۷۷۲ قانون مدنی، قبض مال مرهون در زمان انعقاد عقد، شرط صحت است؛ اما استمرار قبض شرط صحت نیست. بنابراین اگر پس از تحقق قبض، مرتهن مال مرهون را به راهن بازگرداند، عقد همچنان صحیح است و حق عینی مرتهن محفوظ می ماند.

سوال 15

طبق ماده ۷۷۴ قانون مدنی، مال مرهون باید عین معین باشد و رهن دین (طلب) یا منفعت باطل است. بنابراین در مثال فوق، هم رهن طلب و هم رهن منفعت باطل است.

سوال 16

طبق ماده ۷۷۸ قانون مدنی، شرط سلب حق فروش عین مرهونه از مرتهن باطل است؛ چون وصول طلب بدون این حق ممکن نیست.

اما تعهد راهن به این که خودش در صورت عدم پرداخت دین، مال را بفروشد و ثمن را به مرتهن بدهد، باطل نیست و صحیح است؛ چون مانع از اعمال حق قانونی مرتهن نمی شود، بلکه صرفاً تکلیف اضافی بر

راهن است.

سوال 17

طبق ماده ۷۸۵ ق.م.، هر چیزی که در عقد بیع بدون قید صریح جزء مبیع محسوب شود، در عقد رهن نیز داخل است. بنابراین چون در بیع، حیاط و انباری عرفاً از متعلقات خانه محسوب می‌شوند، در رهن هم داخل خواهند بود.

سوال 18

طبق ماده ۷۸۶ ق.م.، ثمره و زیادتی مال مرهون در صورتی که متصل باشد (مثل میوه‌های چسبیده به درخت)، جزء رهن است. اما اگر منفصل شود (چیده شده باشد)، متعلق به راهن است مگر آنکه برخلاف آن شرط شود.

سوال 19

بر اساس ماده ۷۹۸ ق.م.، تحقق هبه منوط به قبول و قبض متهد با اذن واهب است. قبض بدون اذن واهب

اثری ندارد، بنابراین در فرض سؤال، چون قبض بدون اذن بوده و اهب هم فوت کرده است، هبه اصلاً واقع نشده و باطل است.

سوال 20 

مطابق ماده ۸۰۳ ق.م.:

حق رجوع و اهب در صورتی که عین موهوبه از مالکیت متهب خارج شود ساقط می شود.

فروش ملک موجب خروج از مالکیت است، ولی رهن و تغییر ملکیت نسبی (تغییر شکل) باعث ساقط شدن حق رجوع نمی شود مگر در موارد خاص.